



## گفت و شنود فضل الرحيم رحيم ، خبرنگار ازاد با عتيق رحيمي ، نويسنده افغان مقيم فرانسه .

نام عتيق رحيمي ، در فهرست برندگان صدوپنچ سال فعاليت جايزه ادبي گنکور فرانسه عتيق رحيمي ، سال 1962 ميلادي در شهر کابل، دیده بدنیا گشوده .تحصيلات ثانويش را در ليسه استقلال به پايان رسانيده و در سال 1985 در کشور فرانسه پناهنده شده .در کشور فرانسه به ادامه تحصيل پرداخته که در رشته سينما مدرک داکترى را بدست آورد است .عتيق رحيمي ، نويسنده و کارگردان موفق کشور ما است که به اساس رومان " خاک و خاکستر " از نوشته خودش در سال 2004 ميلادي فلمی ساخت که در جشنوارتي "کن" مورد توجه علاقمندان سينما گران خارجي واقع گرديد . رومان های " خاک و خاکستر " ، " هزاران خانه رويا و وحشت " ، " بازگشت خيالی " و " سنگ صبور از آثار ئی ادبی است که عتيق رحيمي نوشته است . وی در حالی جايزه ئی گنکور 2008 ميلادي را نصيب گرديد که نويسنده گانی چون " ژان ماری بلا دوروبله " ، " ژان با پتیس " و " ميشل لوبری " آثار شان کاندید جايزه ادبي گنکور فرانسه بود .

رومان " سنگ صبور " از اقائی رحيمي، که برنده ئی گنکور ادبی فرانسه شده به زبان فرانسوی نگارش یافته است که به قول وی این رومان گوشه های از زوایائی زندگی خصوصی یک زن افغان را بیان می نماید. این رومان در دهم نوامبر، جايزهء گنکور ادبی فرانسه را به خود اختصاص داد که در 25 اگست سال روان ميلادي از سوی انتشارات (پ- او- ال) به بازار عرضه شد در طول این سه ماه سه بار تجديد چاپ گرديد .

گفت و شنود ئی با عتيق رحيمي، پيرامون کار نويسندگی و رمان سنگ صبور، انجام داد ام که توجه تو خواننده ئی صاحب دل را به ان معطوف میدارم .

- اقائی عتيق رحيمي، چگونه به نويسندگی رو آوردید؟

- اينکه چگونه به نويسندگی رو آوردم شايد یک دليلش مطالعه و انهم مطالعه ء آثار ادبی بوده که مسير علاقمندی مرا بسوی نويسندگی استقامت داد . نخستين تجربه های ادبی من نوشتن و يا سرودن شعر بود که بعد ها به نقد نویسی در عرصه سينما پرداختم که از انجمله نقد ها که در سالهای شصت خورشیدی نوشتم یکی ان بيادم است که " سينما هند و جوان دنيائی سوم " نام داشت . و بعد ها داستانهای کوتاه می نوشتم . نوشته هایم در مجلهء اواز ، که در ان زمان ارگان نشراتی راديو و تلویزیون افغانستان بود و مجلهء ژوندون و درفش جوانان ارگان نشراتی سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان ، نشر می شد .

- امروز که رمان سنگ صبور ، از نوشته های شما برندهء بلند ترين جايزه ء ادبی گنکور فرانسه شده است نگاه شما به آثار و نوشته های قبلی تان چگونه است و يا با نشر و موقف سنگ صبور، کار های قبلی تانرا چگونه ارزیابی می کنید؟

- من هر کاری را که انجام میدهم کوشش می کنم که از کار قبلی فرق و يا تفاوت داشته باشد . و همه ارزو من این است که کار بهتر تری باشد و در این زمینه تمام انرژی و نیروی فکری ام را به مصرف می رسانم تا چیزی نو ارایه بدهم و از کارهای قبلی یک گام بیشتر بگذارم . و همیشه من کوشش می کنم که یک تجربهء نو داشته باشم ، از لحاظ داستانی ، از لحاظ داستان پردازی ، از لحاظ شکل و فرم و هم از لحاظ محتوا. این مسایل براین همیشه در کار های نوو تازهء که ارایه میدهم مهم است .

- نام سنگ صبور، را خود برای رمان تان برگزیده اید و یا اینکه مشوره کسی در انتخاب ان شما را کمک نموده است؟

- در ابتدا که می خواستم این رمان را بنویسم عنوان کاری ام بود" از پا افتاده گان" بعدا وقتی قصه سنگ صبور، به شکلی داخل داستان شد من با ناشر این رمان صحبت کردم و گفتم که ترجمه فرانسوی (سنگ صبور) را اگر عنوان کتاب بگذاریم. برای ناشر همین نام فارسی سنگ صبور، بسیار جالب و دلچسپ واقع شد و تصمیم بر همین شد که نام رمان را که من به فرانسوی نوشته ام و به فرانسوی چاپ شده است بنام سنگ صبور نشر شود.

- چرا می نویسید؟

- بخاطریکه بفهمم که چرا می نویسم.

- در چی فضا و موقعیتی شما خود را برای نوشتن رومان و یا داستان راحت احساس می کنید؟  
- من عمدا در سه مرحله داستان هایم را می نویسم مرحله اول من فقط داستان را می نویسم این جای مشخصی ندارد مثلا داستان خاکستر و خاک، را در یک کافه نوشتم. وقتی داستان را نوشتم بعد انرا می گذارم در یک گوشه می خواهم به کلی فراموش اش کنم تا فاصله بگیرم با داستان، با شخصیت ها با موضوع. بعد از مدتی دوباره می گیرمش با یک سلسله تحقیقات با یک سلسله جستجو از لحاظ روان شناسی که بعضا ضرورت باشد مثلا بخاطر نوشتن سنگ صبور، من به افغانستان سفر کردم در انجا با عده کثیری مصاحبه نمودم با یکی از خانمهای افغان که روانشناس است در مورد مشکلات زنان افغان مصاحبه نمودم که مجموعا این مرحله تحقیقاتی است که بعد از ان بر می گردم به اتاق کارم و این مرحله است که من با استفاده از تحقیقاتی که در زمینه انجام داده ام به مراجعه به کتاب ها و لغاتنامه ها پیرامون داستان حداقل دو سه ماه مصروف می شوم. و باز هم داستان را می گذارم میروم دنبال کار های دیگر و یا سفر. بعد از دو سه ماه بر می گردم و داستانم را بر میدارم و این چون آخرین مرحله است در این مرحله بیشتر کوشش می کنم که در یک گوشه گوشه، تنهایی تنها با موسیقی باشم. زیرا در فضائی پر از آهنگ و ریتمهای موسیقی است که من بالای جمله پردازی و انتخاب کلیات کار می کنم.

- در مورد ترجمه رمان سنگ صبور، به زبانهای پشتو و دری چی نظر دارید در حالیکه شما در مصاحبه های تان با رسانه های فرانسوی گفته اید که من بخاطری این رمان را به فرانسوی نوشته ام که در ادبیات کشورم هنوز هم خط قرمز حد معین کلام و بیان را تعیین می نماید؟

- اولاً می خواهم بگویم که هر کسی که توانمندی ترجمه سنگ صبور، را به زبانهای پشتو و دری داشته باشد من از کار و اقدام وی استقبال می نمایم. من این جا یک چیز را می خواهم به صراحت بگویم که اگر ما در لندی پشتو و یا داستان کنیزک مولانا و یا سایر شاعران و نویسندگان کشور ما دقت نمایم در میابیم که قرن ها پیش ان بزرگ مردان خط قرمز را با تفکر و اندیشه های شان در لابلای سروده ها و یا نوشته های شان عبور نموده اند. که این نوشته من در برابر ان همه کم رنگ تر است. در این جای شک نیست که در حال حاضر کسانی هستند که پشت بهانه های ناحق سرگردان هستند و در جستجوی بهانه هستند. اگر به بهانه گیری های آنها تن در بدهیم باید فرهنگ و ادبیات پر بهای کشور ما را حریق و نابود نمایم در حالیکه این فقط مشکل یک عده محدود است. ببین ما در ادبیات فلکلور و مردمی چیزهای داریم پس همه را باید حذف نمایم در حالیکه رمان سنگ صبور، بیان واقعیت های تلخ زندگی زن افغان در جامعه مرد سالار امروزی افغانستان است.

- از چهره های مطرح عرصه نویسندگی کشور ما آثار کدام یک از انها را بیشتر مطالعه نموده اید و یا مطالعه می نماید؟

- نویسنده های که من آثار شانرا مطالعه نموده ام و علاقمند مطالعه آثارشان هستم عبارت انداز:

- نثر خواجه عبدالله انصاری - آثار مولانا بلخ - از نویسنده های معاصر، رهنورد زریاب - داکتر اکرم عثمان - سپوژمی زریاب - از لحاظ شعر و تفکر استاد واصف باختری - و به کسی که ارادت خاص دارم سید بهالدین مجروح که با تأسف به ارزشمندی طرز تفکر (مجروح) هنوز به صورت عمیق و دقیق در جامعه و ادبیات ما پرداخته نشده و ان هم بدلیل عصیانش در برابر خط قرمز که ان

مرد تفکر و اندیشه از ان گذر کرده است . وقتی که " ازده های خودی" نوشتهء سید بهالدین مجروح ،  
را می خوانیم در می یابیم که او در کدام زمان به چی چیز های می اندیشید .  
- هر نویسنده با نشر اثر خود پیامی هم ارایه میدهد .پیام شما در آخرین اثرتان که رمان سنگ صبور ،  
نام دارد چیست ؟

- میخواهم در یک جمله کوتاه عرض کنم که هرکس حکایتی از درد و یا خوشی که احساس می کند  
دارد و نویسنده هم با همین احساس از درد که احساس کرده می نویسد و سنگ صبور ، هم از درد که  
من احساس کرده بودم و می کردم سرچشمه گرفته است . بناً پیام من بیان درد و غم زن افغان است .  
شما زمانی که کتاب را باز می کنید در نخستین صفحهء ان نوشته ام : تقدیم به نادیه انجمن ، شاعرئی  
که توسط شوهرش کشته شد . این خود پیامی است ....

اقائی عتیق رحیمی ، تک دنیا تشکر از شما که به پرسش هایم پاسخ گفتید .  
فضل الرحیم رحیم خبر نگار ازاد  
05.012009